

# آسیب شناسی مسئولیت بین المللی دولت ها در اعمال تحریم‌های ناقض حقوق بشر زنان و کودکان از منظر ملاحظات حقوق بنیادین بشری (مطالعه موردی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران)

فرشته کشتکار

گروه حقوق بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

مریم مرادی<sup>۱</sup>

گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

ابومحمد عسگرخانی

گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۲

## چکیده

تحریم‌های بین المللی خواه در قالب تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه و خواه در قالب تحریم‌های فصل هفتمی شورای امنیت ملل متحد، اگرچه به هدف تغییر سیاست‌های دولت مورد تحریم وضع می‌گردند اما آثار مختلفی از جمله بر زنان و کودکان دارند. این تحریم‌ها به طور عمده با توجه به تجربیات موجود در ارتباط با عراق، لیبی و نهایتاً جمهوری اسلامی ایران درصدد هستند تا با کاهش سطح رشد اقتصادی، افت سطح آموزش، معضلات اجتماعی اقتصادی فراوانی را برای جوامع به بار آورده و به عنوان یک مانع توسعه‌ای، منجر به ایجاد زمینه‌های افزایش تورم و التهاب اقتصادی شود و فرصت‌های گسترش فعالیت‌های زنان و کودکان را به حداقل برساند و حقوق بنیادین بشری آن‌ها را نقض نمایند در همین راستا موضوع مسئولیت بین المللی دولت‌های مورد تحریم مطرح می‌شوند. سوال اصلی تحقیق حاضر آن است که با توجه به مفهوم حقوق بنیادین بشری که عمدتاً در رویه قضایی بین المللی مطرح شده است، در وهله اول مسئولیت بین المللی دولت‌ها در اعمال تحریم‌های ناقض حقوق زنان و کودکان به چه صورت احراز شده و ثانیاً مسئولیت بین المللی در وضعیت تحریم‌ها به چه صورت احراز خواهد شد؟ نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد تحریم‌های بین المللی هم به صورت کلی و هم در وضعیت ایران می‌تواند حق حیات (تاکید شده در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک)؛ حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی، حق سلامت و بهداشت، حق آموزش، حق توسعه و... را در زنان و کودکان تحت تاثیر قرار داده و موجبات نقض حقوق آنان را فراهم آورد.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت بین المللی، ملاحظات بنیادین حقوق بشری، تحریم، نقض حقوق بشر، زنان، کودکان

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: maryam.moradi @iauqeshm.ac.ir

## مقدمه

تحریم‌ها را می‌توان مانند جنگی خاموش دانست؛ زنان و کودکان یکی از قربانیان بزرگ و اساسی این جنگ خاموش هستند؛ زیرا این دو گروه همواره در صف دوم حمله‌ها قرار دارند و در شرایطی که مردها از موضع قدرت با دشمنان فرضی یا واقعی خود می‌جنگند، آن‌ها در خانه‌های خودشان مورد تعرض قرار می‌گیرند. این تعرض‌ها گاهی از ناحیه‌ی قدرت است و گاهی از ناحیه‌ی فقر. باید بدانیم که منظور از خانه، فقط یک فضای فیزیکی نیست؛ بلکه محیط امنی است که زنان باید در آن ببالند و زندگی کنند و فضایی امن برای بالیدن نسل آینده و تربیت کودکان ایجاد کنند. وقتی روابط جهان با یک منطقه تیره می‌شود تنها به این دلیل که تعامل‌های احترام‌آمیز، تقابل‌های قدرت مدارانه می‌شود، قطعاً باید انتظار داشته باشیم که خانه بی‌پناه‌ترین و ناامن‌ترین مکان برای زنان و کودکان باشد. امروزه در سراسر جهان ۷۰ درصد فقرا را زنان تشکیل می‌دهند (Amir Diwani, 2014: 79).

تحریم‌های اقتصادی، یکی از اهرم‌های اصلی محدودیت دسترسی به منابع اقتصادی است که تجارت برون‌مرزی یکی از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد، بنابراین دولت هدف از یک شریان اصلی که نیازهای مادی جامعه از طریق آن برآورده می‌شود را از دست می‌دهد و عدم وجود ثروت موجب می‌شود تا منابع لازم برای پیشبرد اهداف حقوق بشری موجود نباشد. برای مثال روشن است که ارتقای وضعیت دسترسی به منابع آموزشی، نیازمند صرف سرمایه‌های عظیم است و اگر کشوری به این منبع دسترسی نداشته باشد، قطعاً در پیشبرد اهداف با مشکل مواجه خواهد بود (Goodarzi, 2017: 151).

با مطالعه و تحلیل گزارش‌ها از کشورهای چوچون عراق، برمه، هائیتی و ... که تحریم اقتصادی بر آن‌ها اعمال شده به این نتیجه می‌رسیم که: تحریم‌های اقتصادی اثر منفی بر حقوق زنان از جمله حق آموزش، کار، بهداشت و سلامتی و رفاه آنان در این کشورها داشته است. بنا بر گزارش یونسکو کشور عراق پیش از جنگ خلیج فارس و تحمیل تحریم‌های اقتصادی یکی از بهترین سیستم‌های آموزشی منطقه را داشت، اما تحریم‌ها چنان وضعیتی را برای معلمان عراقی ایجاد نمود که بسیاری از آنان یا به رانندگی تاکسی مشغول گردیدند و یا در خیابان‌ها سیگار می‌فروختند و دانشجویان برای خرید کتاب‌ها و مجلات گدایی می‌نمودند. همچنین مدارس فاقد کتاب درسی کافی بودند. خدمات آموزشی در کمترین حد ممکن بود و تجهیزات و ساختمان‌های مدارس به علت عدم نگهداری تخریب گردیدند. در عراق دسترسی زنان به آموزش مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌ها بود. هیچ پولی برای اختصاص به آموزش وجود نداشت. فقدان منابع مالی فرار مغزها را به دنبال داشت، یعنی معلمان و اساتید دانشگاه برای یافتن فرصت شغلی به جاهای دیگر رفتند.

پیامدهای منفی تحریم در زمینه وضعیت بهداشت روانی، مسلماً ناقض حق حیات خواهد بود. در سال ۱۹۹۹، پس از تکمیل تحقیقاتی که از سال ۱۹۹۱ آغاز شده بود، یونیسف به این نتیجه رسید که در مناطق پر جمعیت واقع در جنوب

و مرکز عراق، نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال نسبت به ده سال قبل از آن، دو برابر شده است (UNICEF Report, 2008: 13).

در عراق، افزایش قابل توجه سوء تغذیه در میان زنان از سال ۱۹۹۱ موجب گردید که نرخ تولد نوزادان با وزن پایین و مرگ و میر پیش از تولد افزایش یابد. بسیاری از کودکان عراقی به دلیل عدم بهبود قابل ملاحظه بهداشت، منابع غذایی یا خدمات پزشکی پس از دوران شیرخوارگی دچار سوء تغذیه شدید می شدند. در نتیجه، آنان در معرض بیماری های مهم و مرگ و میر ناشی از سرخک، اسهال و عفونت های تنفسی قرار می گرفتند. همچنین در کوبا که به موجب قانون دموکراسی کوبا مصوب کنگره ایالات متحده از سال ۱۹۹۲ مشمول تحریم های آمریکا بوده است.

سوال اصلی در این نوشتار، این است که: به چه نحو می توان مسئولیت بین المللی دولت ها در اعمال تحریم های ناقض حقوق بشر علیه زنان و کودکان را هم به صورت کلی و هم در وضعیت ایران احراز نمود؟ این پژوهش با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، ضمن تجزیه و تحلیل مسائل و ابعاد مختلف موضوع مورد نظر از طریق سوالات در نظر گرفته شده و نسبت به تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق مطالعات کتابخانه ای و اسنادی اقدام گردید.

### رویکرد مفهومی و نظری

ریشه ملاحظات بنیادین بشری را بایستی در ژوس ژنتیوم یا همان حقوق مردم دانست که ریشه هایش در حقوق خصوصی می باشد که متعاقباً به قلمروی جهان مفهومی حقوق ملل ورود پیدا کرده است.<sup>۱</sup> این شاخه حقوقی ابتدایاً از اصول کلی تشکیل شده بود که بر روابط حقوقی به طور کلی حاکم بود. تدریجاً مفهوم ژوس ژنتیوم به نحوی توسعه و بسط پیدا نمود که آنچه را که امروزه به عنوان اصول کلی حقوقی شناخته می شود، شامل می گردد.<sup>۲</sup> در قرن شانزدهم میلادی، فرانچسکا دی ویتوریا مفهوم جدیدی از ژوس ژنتیوم به عنوان حقوق حاکم بر روابط بین افراد در شرایط استقلال و برابری قضایی پیروی و به تبع یک دیدگاه جهان گرایانه را ارائه داد.<sup>۳</sup> از نظر ویتوریا، این مفهوم جدید از ژوس ژنتیوم از اراده تابعان آن نشأت نگرفته بلکه مبتنی بر استدلالات و ادراکیات انسانی و بشری می باشد. در نظر ویتوریا، ژوس ژنتیوم نسبت به تمامی افراد و خلق ها حتی بدون رضایت آنها اعمال شده ضمن اینکه این مفهوم، انسان ها را در محور خود قرار می دهد؛ بنابراین از دیدگاه ویتوریا چند ویژگی اصلی را برای ژوس ژنتیوم می توان برشمرد: ۱- انسانی بودن؛ ۲- جهان گرا بودن؛ ۳- احترام به آزادی ها و حقوق افراد و ملت ها. ژوس ژنتیوم جهان شمول از نظر ویتوریا، با توجه به اهمیت هم بستگی انسانی بر مبنای اصول حقوق طبیعی و

<sup>1</sup> H.F. Jolowicz, Historical Introduction to the Study of Roman Law, 2nd. ed., Cambridge, University Press, 1967 [reed.], pp. 102-105; and cf. also, e.g., W. Kunkel, Historia del Derecho Romano, 9th. ed., Barcelona, Ed. Ariel, 1999, pp. 85-87.

<sup>2</sup> H. Mosler, "The International Society as a Legal Community", 140 Recueil des Cours de l'Académie de Droit International de La Haye [RCADI] (1974)

<sup>3</sup> It was no longer a jus divinum, nor the jus civile (no longer the Pope, nor the Emperor, as the ultimate authority), but rather the jus gentium, defined by Francisco de Vitoria as quod naturalis ratio inter omnes gentes constituit, vocatur jus gentium.

<sup>4</sup> P. Guggenheim, "Contribution à l'histoire des sources du droit des gens", 94 RCADI (1958) pp. 21-23 and 25.

استدلال واقعی، روابط بین مردم و خلق‌ها و صرف نظر از توجه به مولفه‌هایی چون قلمروهای سرزمینی که ابنا‌ی بشری در آن زیست می‌نمایند و مبتنی بودن بر آزادی تحرکات و جابه‌جایی‌ها بنا شده است.<sup>۱</sup> بر مبنای همین مفهوم از نظم حقوقی بین‌المللی است که حقوق و قواعد حقوقی بین‌المللی بر توسل به زور مقدم دانسته شده است. پس از ویتوریا، فرانسچکو سوانرز هشدار داد که هیچ دولتی نمی‌تواند از قاعده وحدت بنیادین بشری منحرف شده و ابتنا‌ی خود را بر آن قاعده قرار ندهد.<sup>۲</sup> سوانرز یک گام بیشتر برداشته و به استقلال و خودمختاری حقوق ملل نظر داد. البته هوگو گروسیوس نیز همین برداشت از حقوق ملل را ارایه داده که وحدت بشری به عنوان والاترین آرمان و ادله حقوقی عمل می‌نماید.<sup>۳</sup> در اثر جنتیلی نیز پیش از این ژوس ژنتیوم به عنوان ((حقوق مشترک بشریت)) اطلاق شده بود.<sup>۴</sup>

البته می‌توان این موضوع را به یاد داشت که ملاحظات بنیادین بشری یک امر تازه در رویه قضایی بین‌المللی نبوده بلکه در رویه قضایی بین‌المللی دارای سابقه می‌باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو به تعهدی که مبتنی بر معاهده نبوده بلکه در مقابل بر پایه ((برخی از اصول کلی و شناخته شده یعنی ملاحظات بنیادین بشری که حتی در زمان صلح نسبت به جنگ، دقیق‌تر است<sup>۵</sup>)) می‌باشد.

دو سال بعد، دیوان در رای مشورتی خود در مورد اعمال حق شرط بر کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی (۱۹۵۱) به ((ویژگی‌های خاص)) کنوانسیون منع نسل‌کشی اشاره نموده و بیان داشت که: ((اصولی که مربوط به کنوانسیون هستند، اصولی هستند که بر دولت‌ها الزام آور بوده ولو آنکه هیچ تعهد معمولی را به بار نیاورند. این کنوانسیون برای اهداف کاملاً بشردوستانه و متمدانه مورد پذیرش قرار گرفته است. در یک چنین کنوانسیونی، دولت‌های متعاهد هیچ‌گونه منفعت خاص حقوقی ندارند؛ آنها نهایتاً یک منفعت مشترک یعنی تحقق آن دسته از اهداف عالی که مورد نظر کنوانسیون هستند، دارند. نهایتاً، در یک کنوانسیونی از این نوع،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> Francisco de Vitoria, *Relecciones del Estado, de los Indios, y del Derecho de la Guerra* (with an Introduction by A. Gómez Robledo), 2nd. ed., Mexico, Ed. Porrúa, 1985, pp. XXX, XLIII-XLV, LVI, LXXVII, 61 and 42, and cf. pp. LXII-LXIII.

<sup>2</sup> Both F. Vitoria and F. Suárez set up the foundations for a law of universal application (commune omnibus gentibus), of a law for humankind as a whole; A. García y García, "The Spanish School of the Sixteenth and Seventeenth Centuries: A Precursor of the Theory of Human Rights", 10 *Ratio Juris - University of Bologna* (1997) pp. 27 and 29. 8

<sup>3</sup> Cf. P. Guggenheim, "Contribution à l'histoire des sources...", op. cit. supra n. (5), pp. 22, 28-31 and 33-34. On such universality, present in Grotius's thinking, cf. E. Jiménez de Aréchaga, "The Grotian Heritage and the Concept of a Just World Order", in *International Law and the Grotian Heritage* (1983 Hague Colloquium), The Hague, T.M.C. Asser Instituut, 1985, pp. 5-24; R.Y. Jennings, "Universal International Law in a Multicultural World", in *ibid.*, pp. 187-197.

<sup>4</sup> J. Moreau-Reibel, op. cit. infra n. (11), p. 542.

<sup>5</sup> ICJ, *Corfu Channel case* (United Kingdom versus Albania), ICJ Reports (1949) p. 22.

نمی توان از مزیت ها یا مضرات شخصی به دولت ها صحبت نمود بلکه بایستی در مقابل از تعادل کامل قراردادی بین حقوق و تکالیف صحبت نمود.<sup>۱</sup>))

متعاقبا در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا ( ۱۹۸۶ )، دیوان بین المللی دادگستری مجدداً به ملاحظات اولیه بشری اشاره نموده<sup>۲</sup> و اشعار داشت که تعهداتی هستند که بر عهده دولت ها قرار دارند و از حقوق معاهدات از جمله کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ حقوق بین الملل بشردوستانه نشأت نگرفته بلکه در مقابل از (( اصول کلی حقوق بشردوستانه )) مشتق گشته اند که حقوق معاهدات، صراحت دقیقی در مورد آنها دارد؛ بنابراین، حقوق معاهدات در برخی زمینه ها صراحت داشته و در زمینه های دیگر، این اصول کلی حقوق بین الملل بشردوستانه است که اعمال می گردند.<sup>۳</sup>

دیوان بین المللی حقوق دریاها نیز به نوبه خود در رای M/V Saiga به ملاحظات بنیادین بشری استناد نمود. در زمینه بررسی چارچوب قواعد قابل اعمال حقوق بین الملل و توسل به زوری که توسط گینه در توقیف کشتی سایگا صورت گرفت، این دیدگاه بیان شد که اگرچه کنوانسیون بین المللی حقوق دریاها ۱۹۸۲ دربردارنده مقرره صریحی در ارتباط با توسل به زور علیه کشتی ها نمی باشد:

(( حقوق بین المللی که به موجب ماده ۲۹۳ کنوانسیون بین المللی حقوق دریاها اعمال می شود، الزام می نماید که توسل به زور می بایستی تا بدانجا که محتمل است، احتراز گردد و در مواردی که توسل به زور احترازناپذیر است، نمی بایستی از شرایط و اوضاع و احوال منطقی و ضروری فراتر رود. ملاحظات بشری می بایستی همان گونه که در سایر حوزه های حقوق بین الملل اعمال می گردند، در حقوق دریاها به کار گرفته شوند. اصول مزبور در طول سال های متممادین در روند اجرای حقوق در دریاها مورد استفاده قرار گرفته اند.<sup>۴</sup>))

ماهیت بین الدولی برخی اختلافات از جمله همان طور که نشان داده شد قضیه نیکاراگوئه و تنگه کورفو مانع از آن نشده است که یک محکمه قضایی بین المللی به مانند دیوان بین المللی دادگستری ملاحظات اولیه بشری را مورد لحاظ قرار ندهد. این مورد اخیر با اصول کلی حقوقی بین المللی در ارتباط بوده و به مبانی اخلاقی حقوق بین الملل بازمی گردد.<sup>۵</sup> این چنین ملاحظاتی از سوی نهادهای حقوق بشری بین المللی مورد توجه قرار گرفته اند. دو نظریه

<sup>۱</sup> ICJ, Advisory Opinion on Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, ICJ Reports (1951) p. 23.

<sup>۲</sup> ICJ, Nicaragua versus United States case, ICJ Reports (1986) pp. 112-114, pars. 215 and 218.

<sup>۳</sup> Ibid., p. 114, par. 220, and p. 113, par. 218, respectively

<sup>۴</sup> ITLS, M/V Saiga (n. 2) case (Saint Vincent and the Grenadines versus Guinea), Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders (1999) pp. 61-62, pars. 155-156. In the cas d'espèce, the Tribunal found that "Guinea used excessive force and endangered human life before and after boarding the Saiga, and thereby violated the rights of Saint Vincent and the Grenadines under International Law"; *ibid.*, p. 63, para. 159.

<sup>۵</sup> Here, inspiration has thus been found more in the *opinio juris* than in the practice of States; cf., to this effect, P.-M. Dupuy, "Les 'considérations élémentaires de l'humanité' dans la jurisprudence de la Cour Internationale de Justice", in *Mélanges en l'honneur de N. Valticos – Droit et justice* (eds. R.J. Dupuy and L.A. Sicilianos), Paris, Pédone, 1999, pp. 125-127 and 130.

مشورتی که اخیراً از سوی دادگاه آمریکایی حقوق بشر صادر شده و به عنوان دو رای مربوط به بشریت مورد اطلاق قرار می‌گیرند، یعنی رای مشورتی شماره ۱۶ در مورد *The Right to Information on Consular Assistance in Juridical* و رای مشورتی شماره ۱۸ در مورد *the Ambit of the Guarantees of the Due Process of Law Condition and the Rights of Undocumented Migrants*، ملاحظات بنیادین بشری را مورد توجه قرار داده‌اند. در رای مشورتی نخست، دادگاه آمریکایی حقوق بشر حق اطلاع پیدا کردن نسبت به معاضدت کنسولی آن چنان که در ماده ۳۶ کنوانسیون بین‌المللی روابط کنسولی ۱۹۶۳ مندرج شده است را با فرآیندهای تشریفات مقتضی رسیدگی بر مبنای ماده هشت کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ارتباط داده است. دادگاه این چنین استدلال نموده است که از آنجا که حق اطلاع پیدا کردن نسبت به معاضدت کنسولی از جمله اخذ وکیل در طول سالیان متمادین تدوین و توسعه یافته است بنابراین حق هر کسی که از آزادی خود محروم شده است می‌باشد تا در خارج از کشور متبوع خود به معاضدت‌های کنسولی دولت خود دسترسی داشته باشد. بر مبنای همین حق، هر شخصی می‌بایستی فوراً از سوی دولت میزبان خود این اطلاع را پیدا نماید که می‌تواند بر روی معاضدت کنسولی کشور متبوع خود حساب باز نماید.<sup>۱</sup> این نظر مشورتی یک نوع شناسایی قضایی ارتباطات تفکیک ناپذیر بین حق به اطلاع پیدا کردن از معاضدت‌های کنسولی و تضمین‌های رعایت تشریفات عادلانه قانونی رسیدگی می‌باشد.

متعاقباً، دادگاه آمریکایی حقوق بشر در رای مشورتی شماره ۱۸ خود اعلام نمود که دولت‌ها از این تکلیف برخوردارند تا در پرتوی اصول بنیادین و عمومی برابری و عدم تبعیض به حقوق بشر احترام گذاشته و این احترام را تضمین نمایند و اینکه هر گونه رفتار تبعیضی در ارتباط با حفاظت و وجود این چنین حقی از جمله حقوق کار، مسئولیت بین‌المللی دولت نقض کننده را فراهم می‌نماید. با فهم نظر مشورتی دادگاه می‌توان گفت که اصل بنیادین عدم تبعیض که در قلمروی قواعد آمره بین‌المللی قرار گرفته است، دولت‌ها حق ندارند تا به ضرر مهاجرین تصمیم تبعیض آمیزی را اخذ نموده و از این رو، بدون در نظر گرفتن وضعیت مهاجرتی هر شخص نسبت به اخذ تصمیم از او اقدام نمایند. هم چنین بر مبنای همین نظر مشورتی، دولت‌ها نمی‌بایستی رعایت اصل منع تبعیض را مشروط نموده و از اعمال اصل مزبور در سیاست‌های مهاجرتی خود احتراز نمایند.

هر دوی این نظریات مشورتی دادگاه آمریکایی حقوق بشر، یک تفسیر پویا یا تکاملی حقوق بین‌الملل بشر را دنبال می‌نمایند به ویژه نظر مشورتی دوم که به ماهیت عام الشمول و آمره تعهدات حمایت از حقوق بشر می‌پردازد که از همین بعد در دکتترین حقوقی بین‌المللی بسیار مورد استناد واقع شده‌اند.<sup>۲</sup>

### تحریم‌های بین‌المللی

<sup>۱</sup> Before making any declaration (incriminating himself) before the local police authority. As to the detainees condemned to death, the Court added that, in case of imposition and execution of death penalty, without the prior observance of the right to information on consular assistance, this non-observance affects the guarantees of the due process of law, and a fortiori it violates the right itself not to be deprived of life arbitrarily (in the terms of Article 4 of the American Convention and Article 6 of the U.N. Covenant on Civil and Political).

<sup>۲</sup> Cf. chapter XXII, infra

واژه تحریم<sup>۱</sup> در منشور سازمان ملل وجود ندارد و در قطعنامه‌های شورای امنیت نیز به کار نمی‌رود، با این حال، در نظام بین‌الملل، تحریم‌ها ابزاری است که توسط دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و بویژه شورای امنیت برای اعمال فشار علیه برخی از دولت‌ها و دولتمران، گروه‌ها و بازیگران غیردولتی و افراد وابسته به آنها به کار می‌رود (Aust, 2007: 35). به اعتقاد برخی از حقوقدانان، تحریم‌ها گزینه‌ی واسطی است بین دیپلماسی و توسل به زور و مداخله نظامی (Faosi, 1994: 139).

منشور ملل متحد تحریم را تعریف نکرده است. اصطلاحی که در منشور به کار رفته است عبارت است از: اقداماتی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌شود، به شرط آنکه مطابق ماده ۴۱ آن اقدامات متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد. می‌توان گفت این عبارت گویای آن است که نه تنها هیچ گونه عنصری تنبیهی در کار نیست بلکه آن اقدامات تنها برای یک هدف یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل خواهد آمد (Lapido, 1992: 114).

کمیسیون حقوق بین‌الملل<sup>۲</sup>، تحریم‌ها را این گونه تعریف می‌نماید: اقداماتی که متعاقب نقض یک تعهد بین‌المللی که پیامدهای جدی برای جامعه بین‌الملل در کل خود، در پی دارد، به موجب تصمیم یک سازمان بین‌المللی اعمال می‌گردد، و به ویژه برخی از اقداماتی که سازمان ملل متحد بر اساس نظم مبتنی بر منشور ملل متحد، به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اختیار انجام آن را دارد (Annals of the International Law Commission, 1979: 121).

**واکاوی مسئولیت بین المللی دولت ها در اعمال تحریم های ناقض حقوق بشری زنان و کودکان از منظر ملاحظات حقوق بنیادین بشری با تاکید بر ابعاد آن**

## واکاوی

مسئولیت بین المللی دولت‌ها همیشه به عنوان یک بخش پیچیده، محوری و اساسی حقوق بین الملل عمومی تلقی می‌شده است. میزان اجماعی که در ارتباط با ابعاد مختلف مسئولیت بین المللی حاصل شده است نهایتاً درجه تکامل و یکپارچگی جامعه بین المللی را منعکس می‌نماید. بیش از پنجاه سال تلاش‌های مستمر به سمت نظام مند نمودن این بخش کلیدی حقوق بین الملل از یک سو رضایتی برای پیشرفت‌های نسبی در اختیار قرار می‌دهد و از سوی دیگر و به همین دلیل، نتایج غیراقتناع‌کننده و ناقصی را در ارتباط با برخی جنبه‌های جامعه بین المللی در کلیت آن در اختیار قرار می‌دهد. آثار کمیسیون حقوق بین الملل ملل متحد در مورد مسئولیت دولت‌ها در واقع دو ویژگی قابل توجه را منعکس می‌نماید: اهمیت بیشتر یا کمتر جامعه بین المللی به نقض تعهدات بین المللی و شدت بیشتر یا کمتر نقض واقع شده<sup>۳</sup>. دیدگاه کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر اینکه علاوه بر دولت قربانی که به

1 .Sanctions

2 .ILC

3 S. Rosenne, "The Codification of the Law of State Responsibility (1924-1990)", in The International Law Commission's Draft Articles on State Responsibility (ed. S. Rosenne), Dordrecht, Nijhoff, 1991, p. 26.

صورت مستقیم متضرر می‌گردد، دولت‌های دیگر نیز به صورت غیرمستقیم از نقض برخی قواعد بین‌المللی تحت تاثیر قرار می‌گیرند، بر وجود منافع کلی و دغدغه‌های مشترک جامعه بین‌المللی مهر تاییدی می‌گذارد.<sup>۱</sup> در همین راستا، کمیسیون حقوق بین‌الملل تلاش نموده است تا ادعاهایی را که از نقض قواعد آمره بین‌المللی ناشی می‌شده است و به ویژه در زمینه‌های حقوق بشری یا منافع دسته‌جمعی است که به موجب معاهدات بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته‌اند؛ به پیش برد.<sup>۲</sup> از فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل از اواسط دهه ۷۰ تا میانه ۸۰ میلادی در ارتباط با فهرست بندی کردن نقض‌های شدید صلح و امنیت بین‌المللی از جمله تجاوز سرزمینی تا نقض حق تعیین سرنوشت و حفاظت از انسانیت از جمله از طریق منع بردگی، نسل‌کشی و آپارتاید، حفاظت از محیط زیست از جمله از طریق منع آلودگی گسترده محیط جو یا بستر دریاها می‌توان چنین استنباط نمود که این نهاد از یک رویکرد اراده‌محوری دولت‌ها در تعیین مصادیق قواعد آمره بین‌المللی به سمت یک رویکرد انسانی حرکت نموده است.<sup>۳</sup> این موضوع در گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون دلبیو. ریفاگن نیز مشهود است<sup>۴</sup> و مجدداً نشان‌دهنده اتخاذ یک رویکرد نورماتیو یا هنجارمحور در حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی دولت می‌باشد. کمیسیون هم‌چنین به این موضوع اشاره داشت که تشخیص مصادیق قواعد آمره بین‌المللی بایستی در پی یافتن پاسخی برای وجدان بشری بوده‌ضمن اینکه نمی‌توان ایده عدالت عینی را که والاترین واقعیت است را از قلمروی حقوق و هم‌چنین قواعد آمره بین‌المللی حذف نمود بنابراین هدف از تعقیب و پیگیری موارد نقض قواعد آمره بین‌المللی به صورت عام و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به صورت خاص بایستی تحقق عدالت عینی در محیط جامعه بین‌المللی باشد.<sup>۵</sup> از سوی دیگر، فعالیت مستمر کمیسیون حقوق بین‌الملل که در نهایت منجر به پذیرش طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) شد از نظر برخی ابعاد یک نوع مقاومت خاص در برابر یک ایجاد یک پارادیم جدید را در این ارتباط نشان می‌دهد. توجه بیشتر کمیسیون حقوق بین‌الملل به نهاد اقدامات متقابل در خلال مواد ۲۲ و ۴۹ تا ۵۴ که مبتنی بر اقدامات دولت‌ها و به نوعی اراده‌گرایی دولت‌ها است نسبت به نگاه مضیق‌تر و دقیق‌تر و مختصرتر به نهاد قواعد آمره بین‌المللی که صرفاً مواد ۴۰ و ۴۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را دربرگرفته است و عمدتاً مبتنی بر مفهوم انسانی حقوق بین‌المللی است، نشان‌دهنده آن است که طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

<sup>۱</sup> Cf. B. Simma, "Bilateralism and Community Interest in the Law of State Responsibility", in *International Law at a Time of Perplexity – Essays in Honour of S. Rosenne* (ed. Y. Dinstein), Dordrecht, Nijhoff, 1989, p. 840, and cf. pp. 842 and 830-831, and cf. pp. 827, 829 and 844.

<sup>۲</sup> K. Zemanek, "The Legal Foundations of the International System – General Course on Public International Law", 266 *Recueil des Cours de l'Académie de Droit International de La Haye [RCADI]* (1997) p. 266. By admitting that other States Parties may be regarded as "injured" (in those circumstances), the ILC moved into the gradual construction of a new paradigm.

<sup>۳</sup> U.N., *Yearbook of the International Law Commission [YILC]* (1976)-II, part II, p. 119, par. 61.

<sup>۴</sup> Cf. W. Riphagen, "Second Report on the Content, Forms and Degrees of International Responsibility", *Yearbook of the International Law Commission* (1981)-II, part I, p. 85, pars. 53-54.

<sup>۵</sup> H. Accioly, *Tratado de Direito Internacional Público*, 2nd. ed., vol. I, Rio de Janeiro, [MRE], 1956, pp. 18, 24, 26 and 30.



از گزند اراده گرایی دولت ها مصون نمانده و نوعی بی اعتنائی آشکار به مفهوم انسانی و بشری حقوق بین الملل در آن به چشم می خورد که نمی تواند عدالت واقعی را در سطح جامعه بین المللی برپا دارد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، تکیه بیشتر بر اقدامات متقابل که مبتنی بر مفهوم نهفته توسل به زور است تا به نسبت قواعد آمره بین المللی که مبتنی بر مفهوم عدالت است نشان دهنده آن است که جامعه بین المللی تا رسیدن به ایده آل خود یعنی تحقق عدالت اصیل و عینی، فاصله زیادی می تواند داشته باشد.<sup>۲</sup> به علاوه، این نکته به سختی قابل انکار است که رویه مربوط به اقدامات متقابل که عمدتاً از قلمروی متقابل بودن منافع دولت ها نشات می گیرد تا اصول صرف حقوق بین المللی به ویژه اصول حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف آمیز بین المللی نشانه دیگری برای اثبات ادعای مطرح شده فوق می باشد.<sup>۳</sup> این نکته قابل افزودن است که بررسی ابعاد مختلف اقدامات متقابل در طرح مسئولیت بین المللی دولت ها ۲۰۰۱ خود نشان دهنده نوعی عدم اعتماد به نقش قانون برای دستیابی عدالت می باشد به نحوی که به جای تمرکز بر وجدان بشریت و غلبه اعتقاد الزام آور جامعه بین المللی به مفهوم اخیر، نوعی توسل به اقدامات قهرآمیز مجاز شمرده شده است.<sup>۴</sup>

در هر صورت، قلمروی حقوق بین الملل بشر از ویژگی های خاص در ارتباط با مسئولیت بین المللی برخوردار بوده و این قلمرویی است که امکان اعمال برخی نهادهای مسئولیت بین المللی از جمله اقدامات متقابل در آن کمتر به چشم می خورد. در اینجا، تمرکز بر مفهوم قانون و حقوق و عدالت به جای توسل به زور به چشم می خورد، اراده دولت ها جای خود را به وجدان بشریت داده و تاکید بیشتری بر کارآمدی حقوق بین الملل عمومی در این ارتباط گذاشته می شود.<sup>۵</sup> این امر نمی تواند مغفول انگاشته شود که توسعه شخصیت حقوقی بین المللی در حقوق بین الملل عمومی و به تبع آن حقوق بین الملل بشر تا حدود زیادی مدیون توسعه نهاد مسئولیت بین المللی دولت ها و سازمان های بین المللی می باشد. این موضوع حتی بحث های مربوط به مسئولیت بین المللی اشخاص اعم از حقوقی خصوصی و حقیقی را منتهی شده است کما اینکه در گزارش چهارم رابرت آگو، گزارشگر وقت کمیسیون حقوق بین الملل در این ارتباط با عنوان (( اقدام تخلف آمیز بین المللی دولت، منبع مسئولیت بین المللی )) تاکید شده است:

<sup>1</sup> Cf., e.g., O.Y. Elagab, *The Legality of Non-Forcible Counter-Measures in International Law*, Oxford, Clarendon Press, 1988, pp. 1-221.

<sup>2</sup> G. Arangio-Ruiz, "Séptimo Informe sobre la Responsabilidad de los Estados", U.N. doc. A/CN.4/469, of 09.05.1995, pp. 30-37, 42-43, 46, 49 and 52.

<sup>3</sup> M. Virally, "Panorama du Droit international contemporain – Cours général de Droit international public", 183 RCADI (1983) pp. 217-218.

<sup>4</sup> Ph. Allott, "State Responsibility and the Unmaking of International Law", 29 *Harvard International Law Journal* (1988) pp. 23-24.

<sup>5</sup> A.A. Cançado Trindade, "Memorial por um Novo Jus Gentium, o Direito Internacional da Humanidade", 45 *Revista da Faculdade de Direito da Universidade Federal de Minas Gerais – Belo Horizonte/Brazil* (2004) pp. 17-36.

(( همان‌گونه که نویسندگان، اغلب اشاره نموده‌اند، اعتراض به این امر بی‌فایده به نظر می‌رسد که تنها دولت‌ها تابع حقوق بین‌الملل بوده و از این رو، تنها آنها می‌توانند تعهداتی را که به موجب قانون وضع شده است، نقض نمایند. جدا از این واقعیت که این چنین اعتراضی می‌تواند مسایل خاص خود را مطرح نماید، وضعیت‌هایی که در این جا مورد اشاره قرار گرفته‌اند، وضعیت‌هایی نیستند که اصطلاحاً مربوط به مسئولیت بین‌المللی افراد بوده بلکه وضعیت‌های مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشند. از آنجا که اقدامات افراد خصوصی قابلیت انتساب به دولت‌ها را دارد، این دولت است که از طریق اقدامات تخلف‌برانگیز افراد خود، یک تعهد بین‌المللی را نقض می‌نماید.<sup>۱</sup>))

وی در تبیین این استدلال خود می‌افزاید:

(( اقدامات یک فرد مبنای رفتار تخلف‌آمیز بین‌المللی دولت بوده و دولت از طریق اقدام یک فرد در نهادهای خاصی که وی در آن مشارکت می‌نماید، یک تعهد بین‌المللی را نقض می‌نماید. اقدام تخلف‌آمیز بین‌المللی که یک دولت مسئول بدان است، نقض یک تعهد بین‌المللی است که از طریق اقدام فرد مورد نظر ارتکاب می‌یابد.<sup>۲</sup>)) امروزه این امر مورد تصدیق قرار گرفته است که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌تواند به واسطه فعل یا ترک فعلی که از سوی یکی از ارکان یا نهادهای آن ارتکاب یافته است صرف نظر از سلسله مراتب دستگاهی و نهادی در کشور نقض کننده، به دولت نقض کننده قابل انتساب باشد. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در عمده موارد به جز در نهاد مسئولیت بین‌المللی برای اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل در نتیجه نقض یک تعهد الزام‌آور بین‌المللی علیه آن، ارتکاب می‌یابد؛ بنابراین می‌توان این نتیجه را اخذ نمود که ظهور مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در نتیجه وقوع یک تخلف بین‌المللی است که قابل انتساب به دولت مزبور می‌باشد.<sup>۳</sup> نهاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را می‌توان به نوعی به عنوان تثبیت وجدان جمعی جامعه بین‌المللی در مقابل تلاش یکی از تابعان حقوق بین‌الملل برای مسدود نمودن آن از طریق فعل یا ترک فعل تخلف‌آمیز بین‌المللی دانست. علاوه بر این، این نکته بدیهی است که اقدامات تخلف‌آمیز بین‌المللی یک دولت صرفاً محدود به اقدامات اجرایی نشده بلکه اقدامات قانون گذاری و قضایی را نیز در برمی‌گیرد.<sup>۴</sup>

<sup>1</sup> Roberto Ago (rapporteur of the theme in the ILC in 1963-1979) was preceded by F.V. García Amador (1955-1961), and followed by (W. Riphagen, 1979-1986), G. ArangioRuiz (1987-1996) and J. Crawford (1997-2001).

<sup>2</sup> Ibid., pp. 96-97, par. 64.

<sup>3</sup> The distinction adopted in the work of the ILC on the Responsibility of the State (in particular of its part I) between primary rules (those which impose specific obligations to the States) and secondary rules (those which determine the juridical consequences of the non-compliance by the States of the obligations established by the primary rules) of International Law, contributes to clarify that the responsibility of the State is engaged as from the moment of the international wrongful act (or omission), there arising therefrom a subsidiary obligation to put an end to the consequences of the violation (what may mean, in the circumstances of a concrete case, e.g., to modify a national law) and to provide reparation for the damages.

<sup>4</sup> Cf., in this respect, e.g., H. Accioly, Tratado..., op. cit. supra n. (6), pp. 280-310; H. Dipla, La responsabilité de l'État pour violation des droits de l'homme - Problèmes d'imputation, Paris, Pédone, 1994, pp. 17-32; C. Sepúlveda, Derecho Internacional, 13th. ed., Mexico, Ed. Porrúa, 1983, pp. 237-238.

## ابعاد مسئولیت بین المللی دولت ها در اعمال تحریم های ناقض حقوق بشر زنان و کودکان از منظر ملاحظات بنیادین حقوق بشری

تحریم ها غالباً تأثیرات منفی اجتناب ناپذیری بر اقتصاد کشور مورد تحریم و وضعیت معیشتی مردم ساکن در آن کشور بر جای می گذارد و ممکن است موجب نقض حقوق بشر گردد. همچنین با توجه به اینکه در سال های اخیر افراد نیز مشمول قطعنامه های تحریم شورای امنیت و اتحادیه اروپا قرار گرفته اند، موضوع نقض حقوق بشر در خصوص آنها نیز مطرح گردیده است. نقض حقوق بشر در نتیجه اعمال تحریم ها، مسائل متعدد را سبب می گردد. همچنین استفاده از راهکارهایی برای کاهش یا جلوگیری از تأثیرات منفی تحریم ها بر حقوق بشر موضوع حائز اهمیتی است که عملی ساختن آن می تواند تا حدود زیادی مانع از نقض حقوق بشر گردد (Jill, 2000: 40).

تأثیرات منفی تحریم ها بر حقوق بشر در سال های اخیر خصوصاً به دنبال اعمال تحریم های شورای امنیت بر ضد عراق در دهه ۱۹۹۰ توجه دولت ها و سازمان های بین المللی را به خود معطوف ساخته است. نقض حقوق بشر از رهگذر اعمال تحریم ها ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد. به عنوان مثال، تحریم اقتصادی معمولاً دسترسی مردم به مواد غذایی و دارویی را با مشکلاتی مواجه می سازد و آنان را از نظر بهداشتی و درمانی در وضعیت نامطلوبی قرار می دهد. در چنین مواردی حق حیات به طور مستقیم نقض می گردد. در مقابل، گاهی حقوق بشر به صورت غیرمستقیم نقض می شود که در این مورد می توان به نقض حقوق سیاسی اشاره نمود؛ به دنبال اعمال تحریم ها علیه دولت های سرکوبگر، این قبیل دولت ها با تهییج احساسات عمومی و متهم نمودن مخالفان سیاسی به همدستی و همراهی با تحریم کنندگان و نیز به بهانه مقابله با دشمنان خارجی، محدودیت های فراوانی در زمینه آزادی های سیاسی ایجاد نموده و به سرکوب مخالفان خود شدت می بخشند. از آنجایی که تحریم ها ابعاد گوناگون حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهند، نسل های مختلف حقوق بشر در معرض نقض قرار دارند.

### نقض حق حیات بر اثر تحریم ها

حق حیات، بی تردید بنیادی ترین حق در میان همه انواع حقوق بشر محسوب می شود. سایر حقوق بر کیفیت حیات می افزایند و لازمه اعمال آنها، وجود حیات است. بر اساس بند ۱ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر انسانی از حق ذاتی حیات برخوردار است و این حق باید بوسیله قانون مورد حمایت قرار گیرد (Rhoan, 2005: 205).

حمایت از این حق مستلزم آن است که دولت ها اقدامات ایجابی در این زمینه اتخاذ نمایند. حق حیات باید به طور موسع مورد تفسیر قرار گیرد. لازم است که دولت ها برای کاهش میزان مرگ و میر کودکان و افزایش امید به زندگی، خصوصاً از طریق اتخاذ اقداماتی برای از بین بردن سوء تغذیه و بیماری های واگیر، کلیه اقدامات ممکن را به عمل آورند. یکی از اقدامات ایجابی دولت ها برای فراهم نمودن زمینه حق حیات، ارائه خدمات درمانی لازم می باشد؛ که در

ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان بخشی از حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی قلمداد گردیده و در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۱</sup> نیز بدان تصریح شده است. معیارهای استاندارد مناسب زندگی علاوه بر غذا، بهداشت و درمان، شامل سایر نیازهای اساسی از قبیل پوشاک و مسکن نیز می‌شود و مستلزم بهبود مستمر شرایط زندگی است. بر این اساس، برنامه‌های تحریم نباید مانع از دستیابی مردم به حداقل کالاها و خدمات اساسی لازم برای حیات پایدار گردند.

آنچه که در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد این است که زمان شروع برخورداری از حق حیات، لحظه تولد می‌باشد. با وجود این، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۵ ماده ۶ مقرر داشته است که مجازات اعدام نباید در مورد زنان باردار به اجرا درآید. این مقرر را می‌توان به منزله ممنوعیت سلب حیات از چنین تعبیر نمود. ضمن اینکه ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صراحتاً بر کاهش نرخ مرده‌زایی تأکید کرده است. در راستای شناسایی حق حیات برای جنین، ماده ۴ معاهده آمریکایی حقوق بشر صراحتاً آغاز این حق را لحظه انعقاد نطفه اعلام کرده است؛ اما از نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر، هیچگونه حق مطلق حیات از لحظه انعقاد نطفه وجود ندارد. بنابراین هرگونه تحریم اقتصادی که حق حیات را در مفهوم گسترده آن که شامل حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی، غذا و دارو، خدمات درمانی، پوشاک و مسکن و سایر ضروریات اولیه می‌باشد، برای هر موجود انسانی، قبل یا بعد از تولد، کالا یا جزئا خدشه دار سازد، ناقض حق حیات خواهد بود. البته تحریم‌های اقتصادی معمولاً به تمام یا دستکم برخی از جنبه‌های حق حیات لطمه می‌زنند. بر همین اساس در سال‌های اخیر تحریم‌های هدفمند به منظور تحت فشار قرار دادن حاکمان و اعضای گروه‌های تروریستی به جای مردم، به عنوان جایگزین تحریم‌های جامع پیشنهاد گردیده است. اغلب برنامه‌های تحریم اقتصادی تأثیرات منفی قابل ملاحظه‌ای بر جنبه‌های گوناگون حق حیات بر جای می‌گذارند که این تأثیرات در برنامه‌های تحریم گسترده (جامع) بیشتر به چشم می‌خورد. سازمان بهداشت جهانی طی گزارشی در سال ۱۹۹۶ در مورد شرایط بهداشتی مردم عراق اعلام نمود که این وضعیت غم‌انگیز، پی‌آمدهای فراوانی برای وضع سلامتی مردم و کیفیت زندگی آنان، نه تنها برای نسل کنونی بلکه برای نسل‌های آینده دربر خواهد داشت.

این گزارش می‌افزاید: «می‌توان پیش‌بینی نمود که سختی‌های طاق‌ت فرسایی که از زمان جنگ ۱۹۹۱ همواره با تحریم‌ها همراه بوده است، اثرات زایل‌نشده‌ی و مانگاری بر سلامت روانی و الگوهای رفتاری کودکان عراقی به هنگام رسیدن به سن بلوغ بر جای خواهد گذاشت. این جنبه غم‌انگیز اثرات جنگ و شرایط ناشی از تحریم کمتر مورد بحث قرار گرفته است، اما جامعه جهانی باید به طور جدی مشکلات یک نسل از کودکانی را که اگر هم زنده بمانند باید با معلولیت‌های ذهنی ناشی از ضربه‌های روحی رشد نمایند، مورد توجه قرار دهد». بدیهی است سلامت روانی تأثیر مستقیمی بر طول عمر افراد و سلامت جسمانی آنان دارد؛ بنابراین پی‌آمدهای منفی تحریم در زمینه وضعیت بهداشت

۱. ماده ۱۲، دولت‌ها را ملزم می‌سازد که برای کاهش نرخ مرده‌زایی و پیشگیری، درمان و کنترل بیماری‌های واگیر و بومی اقداماتی را انجام دهند.

روانی، مسلماً ناقض حق حیات خواهد بود. در سال ۱۹۹۹، پس از تکمیل تحقیقاتی که از سال ۱۹۹۱ آغاز شده بود، یونیسف به این نتیجه رسید که در مناطق پر جمعیت واقع در جنوب و مرکز عراق، نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال نسبت به ده سال قبل از آن، دو برابر شده است (UNICEF Report, 2008: 13).

افزایش قابل توجه سوء تغذیه در میان زنان در عراق، از زمان شروع جنگ و ایجاد تحریم‌ها موجب گردید که نرخ تولد نوزادان با وزن پایین و مرگ و میر پیش از تولد افزایش یابد. بسیاری از کودکان عراقی به دلیل عدم بهبود قابل ملاحظه بهداشت، منابع غذایی یا خدمات پزشکی پس از دوران شیرخوارگی دچار سوء تغذیه شدید می شدند. در نتیجه، آنان در معرض بیماری های مهم و مرگ و میر ناشی از سرخک، اسهال و عفونت های تنفسی قرار می گرفتند. همچنین در کوبا که به موجب قانون دموکراسی کوبا مصوب کنگره ایالات متحده از سال ۱۹۹۲ مشمول تحریم های آمریکا بوده است. نرخ مرگ و میر از ۶/۴ در هر هزار نفر در سال ۱۹۸۹ به ۷/۶ در هر هزار نفر در سال ۱۹۹۴ افزایش یافت که علت عمده آن کمبود داروهای ضروری و شناساگرهای آزمایشگاهی برای آن دسته از افرادی می باشد که از بیماری های مزمن رنج می برند و نیازمند مراقبت دائم می باشند. در برون دی، اعمال تحریم های گسترده علیه این کشور در سال ۱۹۹۶ از سوی کشورهای تانزانیا، کنیا، اتیوپی، زئیر (جمهوری دموکراتیک کنگو)، رواندا و نامیبیا، موجب کاهش قابل ملاحظه سوخت و سایر کالاها گردید. زیرساخت های بهداشتی این کشور به شدت آسیب دید و عدم امکان دستیابی به فرآورده های دارویی ضروری، به کمبود شدید دارو و واکسن منتهی شد. در هائیتی، در نتیجه اعمال تحریم های اقتصادی از سوی ایالات متحده و سازمان کشورهای آمریکایی در اکتبر ۱۹۹۱ که تا سال ۱۹۹۴ ادامه یافت، وضعیت معیشتی و بهداشتی مردم این کشور به شدت آسیب دید. ۱۸ درصد از زنان شهری و ۲۱ درصد از زنان روستایی این کشور دچار سوء تغذیه شدند. در مقایسه با سال ۱۹۹۰، نرخ تولد نوزادان کم وزن از ۱۰ درصد به ۱۵ درصد و میزان سوء تغذیه کودکان زیر پنج سال از ۳/۴ درصد به ۷/۸ درصد افزایش یافت. تأثیرات منفی تحریم ها بر وضعیت زندگی مردم در برنامه های تحریمی که علیه کشورهای دیگری از جمله رودزیا، آفریقای جنوبی، عراق، لیبی، یوگسلاوی سابق، لیبیا و آنگولا اعمال گردیده است، نیز قابل مشاهده می باشد (Richard, 2010: 349).

### نقض حق کار بر اثر تحریم ها

حق کار طبق اسناد حقوق بشر متضمن حقوق و تکالیف متعددی است که با آن ارتباط دارند و صرفاً به معنای حق برخورداری از شغل معین نیست، چنان که در اسناد جهانی و منطقه ای حقوق بشر تصریح گردیده است، هر کس از آزادی انتخاب شغل، برخورداری از شرایط عادلانه کار و حمایت در برابر بیکاری برخوردار است. به علاوه حق دریافت دستمزد برابر برای انجام کار یکسان و حقوق و مزایای عادلانه و مناسب به عنوان مؤلفه های حق کار بیان شده است.

طبق ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ دولت های عضو این میثاق حق کار را که شامل حق هر کس برای دارا بودن فرصت تأمین معاش به وسیله شغلی که آزادانه انتخاب می نماید، می باشد به رسمیت

می‌شناسند؛ همچنین ماده ۷ میثاق مقرر داشته است؛ دولت‌های عضو این میثاق حق هر کس برای برخورداری از شرایط کار عادلانه و مطلوب را، به رسمیت می‌شناسند:

اما در پی تحریم‌ها و شرایط خاص کار و شغل دیده شده است که تعیین حداقل دستمزد برای همه کارگران اعم از زن و مرد به صورت یکسان نمی‌باشد و در قبال کارهایی که ارزش یکسانی دارند با اعمال تبعیض زنان از شرایط کاری نامناسبتری نسبت به مردان از لحاظ شرایط کاری، و دستمزد برخوردارند. از آنجای که اغلب زنان به عنوان سرپرست خانوار به حق استراحت، مرخصی و محدودیت متعارف ساعات کار و تعطیلات منظم با پرداخت حقوق و همچنین پرداخت دستمزد برای روزهایی که تعطیل عمومی نیاز دارند اما دیده شده که دارای فرصتی برابر با مردان نیستند و در پی این آسیب‌پذیری زنان اولین قشری که به طور متسقیم دچار آسیب‌های روحی، روانی و جسمی می‌شود کودکان هستند. چرا که زنان به دلیل داشتن یک زندگی آبرومندانه برای خود و خانواده‌هایشان مجبور به انجام کاری می‌شوند که دستمزدهایی بسیار پایین و شرایط کاری و محیطی نامطلوبی دارند. قضیه زمانی بغرنج‌تر می‌شود که به لحاظ ایجاد تحریم‌ها کارخانه‌های تولیدی در داخل کشور هدف ورشکسته و بسته می‌شوند و خیل عظیمی از کارگران آنها که عموماً زنان هستند بیکار شده و برای ادامه زندگی دچار سختی‌ها و آسیب‌های زیادی می‌شوند.

تأثیر منفی تحریم‌ها بر حق کار در تفسیر عمومی شماره کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته است. طبق بند ۳ تفسیر مزبور، هر چند تأثیر تحریم‌ها از قضیه‌ای به قضیه دیگر متفاوت است، اما کمیته به این موضوع توجه دارد که تحریم‌ها تقریباً همواره تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر حقوق شناخته شده به موجب میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند. به عنوان مثال ... تحریم‌ها به حق کار لطمه می‌زند... از آنجایی که تحریم‌ها به بخش‌های مختلف اقتصادی کشور مورد تحریم آسیب وارد می‌سازند، موجب بروز بیکاری می‌شوند. در عراق، نرخ بالای بیکاری و دستمزدهای پایین، عراقی‌های دارای مهارت‌های بالا را مجبور ساخت به کارهای ساده روی آوردن، ضمن آنکه انزوای شدید جامعه علمی این کشور به کاهش مداوم مهارت و تخصص منجر گردید (Committee on Economic, Social and Cultural Rights, 2010: 87)

بیکاری، کاهش دستمزدها و نامساعد بودن شرایط کاری ناشی از صدمه دیدن زیرساخت‌های اقتصادی کشور در نتیجه اعمال تحریم‌ها، پیامدهای منفی دیگری به ویژه در زمینه‌های اجتماعی به دنبال خواهد داشت. طبق اعلام معاون سابق دبیر کل سازمان ملل متحد و هماهنگ کننده امور بشردوستانه در عراق «تحریم‌ها بر وضعیت خانواده‌ها در عراق تأثیر جدی داشته است. ما شاهد افزایش خانواده‌های تک سرپرست می‌باشیم که در آنها معمولاً مادرانی، به تنهایی برای تأمین معاش خانواده تلاش می‌نمایند. میزان طلاق افزایش یافته است. بسیاری از خانواده‌ها به منظور تأمین مواد غذایی مجبور به فروش خانه‌ها، اثاثیه منزل و سایر اموال خود گردیده‌اند که این امر به بروز پدیده بی‌خانمانی منجر شده است (Rubin, 2005: 197). اغلب این نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی از بیکاری ناشی می‌شود که خود معلول اعمال تحریم‌های اقتصادی گسترده می‌باشد.

## نقض حق غذا بر اثر تحریم ها

حق غذا به مثابه یکی از حقوق اساسی بشر و در زمره یکی از تأکیدهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق بینالمللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود. بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبتهای پزشکی و خدمات اجتماعی است.<sup>۱</sup> همچنین به موجب ماده ۱۱ میثاق بینالمللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو این میثاق با اذعان به حق اساسی هر کس به اینکه از گرسنگی فارغ باشد، باید به صورت مجزا و از طریق همکاری بین‌المللی، تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی را به قرار ذیل اتخاذ نمایند؛ بهبود روشهای تولید، حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی، تأمین و توزیع منصفانه ذخایر خواربار جهان.<sup>۲</sup>

با این تفاسیر تحریم‌ها علاوه بر اثرات غیر قابل اجتناب بر زندگی افراد در کشور هدف، بر حقوق آنان نیز تأثیرگذار بوده، بهره‌مندی از حقوق بهداشت یا غذای جمعیت در کشور هدف را که تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده‌اند، مورد تضییع قرار می‌دهند.<sup>۳</sup>

برای نمونه، تحمیل تحریم‌ها علیه عراق بعد از حمله رژیم صدام به کویت و اشغال این کشور، موجب افزایش وحشتناک گرسنگی، بیماری و مرگ شد. به جمعیت آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و معلولین آسیب‌ها و صدمات سخت‌تری وارد شد. علی‌رغم اینکه تحریم‌ها استثنائاتی را در حوزه بشردوستانه و پزشکی قائل شده بودند، اما بر طبق گزارش ۱۹۹۸ یونیسف، نرخ مرگ کودکان زیر سن ۵ سال به بیش از ۴۰ هزار نفر در سال رسید که بیشتر از سال ۱۹۸۹ یک سال قبل از وضع تحریم‌ها بود. نرخ بالای مرگ کودکان عمدتاً به خاطر اسهال، ذات‌الریه و سوء تغذیه روی داده بود. قبل از اجرای تحریم‌های سازمان ملل، سوء تغذیه یک مشکل عمومی در عراق نبوده است، اما بعد از اعمال تحریم‌ها صدها هزار کودک از نیازهای ضروری خود محروم شدند.

در چندین قطعنامه‌ای که از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد صادر شده همواره قواعد و اصولی در زمینه حمایت از اشخاص در طول درگیری‌های مسلحانه، بیان شده است. برای نمونه قطعنامه ای به شماره ۳۳۱۸ با عنوان «اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت‌های فوق‌العاده و مخاصمات مسلحانه» از سوی مجمع عمومی سازمان ملل صادر شده که در بند ۶ از این قطعنامه چنین قید شده است:

«زنان و کودکانی که جزو جمعیت غیر نظامی می‌باشند و در وضعیت‌های فوق‌العاده و مخاصمات مسلحانه قرار دارند ... نباید از مسکن، غذا، کمک‌های داروئی یا سایر حقوق غیر قابل انتقال به موجب مقررات اعلامیه جهانی

<sup>۱</sup> Universal Declaration of Human Rights. 1948, Article 25

<sup>۲</sup> International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. 1966. Art. 11-12

<sup>۳</sup> Report of the Panel Established Pursuant to the Note by the President of the Security Council Concerning the Current Humanitarian Situation in Iraq. 1999. UN. Doc. S/1999/346, Annex II.

حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه حقوق کودک یا سایر اسناد حقوق بین‌الملل محروم گردند<sup>۱</sup>.

قواعد راجع به حمایت از افراد غیر نظامی که در قالب دو اصل: الف - ممنوعیت ایجاد گرسنگی و قحطی و ب - تشخیص یا تفکیک، قابل اعمال می‌باشند که باید در کلیه برنامه‌های تحریم اقتصادی، چه در زمان مخاصمات مسلحانه و چه در دوران صلح، لحاظ شوند.

### مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در اعمال تحریم‌های ناقض حقوق بشر زنان و کودکان علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر ملاحظات بنیادین حقوق بشری

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در اعمال تحریم‌های ناقض حقوق بشر زنان و کودکان علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر ملاحظات بنیادین حقوق بشری یکی دیگر از موضوعاتی است که اگرچه در وهله اول ساده به نظر می‌رسد اما حداقل در رویه قضایی بین‌المللی و داخلی این مساله مورد اختلاف نظر شدید بوده است. از یک طرف می‌توان به آرای اشاره نمود که به تحریم‌های بین‌المللی حتی آن دسته از تحریم‌هایی که در خارج از چارچوب ملل متحد وضع شده‌اند علیه جمهوری اسلامی ایران، نظر مثبت داشته‌اند و حتی برخی آن‌ها را ((قاعده آمره بین‌المللی)) دانسته‌اند و بنابراین مسئولیت بین‌المللی دولت‌های اعمال‌کننده تحریم را متفی دانسته‌اند. نمونه بارز آن را می‌توان رأی صادره در قضیه *Lamesa Investments Ltd v. Cynergy Bank Ltd* (2019) دانست که در آن، دادگاه عالی بریتانیا تشخیص داد که تحریم‌های ثانویه ایالات متحده «یک مقرر الزام‌آور قانونی است» و اعمال فراسرزمینی تحریم‌های ثانویه ایالات متحده را به‌عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی لحاظ کرد. در این قضیه، لامسا یک شرکت قبرسی بود که به‌صورت غیرمستقیم تحت مالکیت *Viktor Vekselberg*، یک تبعه اوکراینی قرار داشت. در دسامبر ۲۰۱۷ میلادی، سینرجی که یک بانک انگلیسی بود قرارداد دریافت وام با شرکت لامسا امضا کرد که به موجب آن، لامسا ۳۰ میلیون پوند را به بانک انگلیسی وام دهد و در مقابل آن، بانک انگلیسی متعهد شد تا هر شش ماه یک بار، سود ناشی از مبالغ اعطا شده را به شرکت لامسا پرداخت کند. مقرر شد که قانون انگلستان بر قرارداد منعقد حاکم باشد.<sup>۲</sup>

در زمانی که طرفین قرارداد دریافت وام را امضا کردند، بانک سینرجی انگلستان اطلاع یافت که تحریم‌های ثانویه ایالات متحده (OFAC)<sup>۳</sup> ممکن است که بر شرکت لامسا اعمال شود. سه ماه بعد از آن، OFAC، وکسل‌برگ را در فهرست تحریم‌های اشخاص خود قرار داد و در نتیجه، لامسا یک شخص حقوقی تحریم شده بر اساس قوانین ایالات متحده قرار گرفت در نتیجه، بانک انگلیسی در صورتی که پرداخت سود وام‌های دریافتی را به شرکت لامسا انجام می‌داد در معرض ریسک تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا قرار می‌گرفت که به موجب بند ب ماده ۵

1. UN, Doc, GA / Res 3318

2 [https://www.brickcourt.co.uk/images/uploads/documents/CL-2018-000826\\_Lamesa\\_v\\_Cynergy\\_Final\\_Judgment-11.pdf](https://www.brickcourt.co.uk/images/uploads/documents/CL-2018-000826_Lamesa_v_Cynergy_Final_Judgment-11.pdf)

3 [Office of Foreign Assets Control](#)



قانون حمایت از آزادی‌های اوکراین ۲۰۱۴ (the Ukraine Freedom Support Act) وضع شده بود. نهایتاً شرکت لامسا با صدور اعلامیه‌ای مبنی بر این که بانک سینرجی ملزم است تا بازپرداخت‌های خود را صورت دهد، از این بانک طرح دعوی کرد. در مقابل، بانک انگلیسی به بند یک ماده ۹ قرارداد منعقد شده استناد کرد که مقرر کرده بود این بانک مرتکب نقض تعهدات قراردادی خود نخواهد شد؛ در صورتی که:

«مبالغ به منظور مطابقت با هرگونه قاعده‌آمره قانونی، آیین‌نامه یا دستور هر دادگاهی که از صلاحیت برخوردار است، پرداخت نشده باشد.»<sup>۱</sup>

در نهایت تصمیم دادگاه رسیدگی کننده با رد ادعای شرکت لامسا که محدود کردن قانون آمره به قانون انگلستان با مشخصات «آیین‌نامه» که در این قرارداد تعریف شده است، در تعارض است.<sup>۲</sup>

در مقابل البته می‌توان به آرای نیز اشاره نمود که در آن بر مسئولیت بین المللی دولت‌های اعمال کننده تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران تاکید شده است از جمله قضیه Mamancochet Mining Limited v Aegis Managing Agency Limited and others یکی دیگر از قضایایی است که طی آن، رویه قضایی مرتبط با تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا (بخش ۵۶۰ آیین‌نامه‌های تحریم‌ها و معاملات ایران ایالات متحده آمریکا) در دادگاه عالی بریتانیا مطرح شده است. این قضیه به‌ویژه از نظر شرط تحریم‌هایی که مقرر شده بوده است مهم می‌نماید:

«فرض بر این نیست که هیچ بیمه‌گری به تحت پوشش قرار دادن مبالغ خسارت دیده شده اقدام کرده و هیچ بیمه‌گری نسبت به پرداخت خسارت در ارتباط با هرگونه ادعایی و دعوی مسئول تلقی شود تا بدانجا که ارائه چنین ادعایی، پرداخت خسارت در این چنین دعاوی، بیمه‌گر را در معرض هرگونه تحریم، ممنوعیت یا محدودیت بر مبنای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد یا تحریم‌های تجاری یا اقتصادی، قانون یا آیین‌نامه‌های اتحادیه اروپایی، بریتانیا یا ایالات متحده آمریکا قرار دهد.»

در انتها، این دادگاه مسئولیت بین المللی ایالات متحده در اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران را مطرح نموده است اگرچه به سبب این که موضوع دعوی، امر دیگری بوده است، به موضوع مسئولیت بین المللی دولت فوق‌الذکر ورود پیدا نکرده است. در هر صورت بایستی با توجه به اینکه بر طبق منشور ملل متحد که هم جمهوری اسلامی ایران و هم دولت‌های اعمال کننده تحریم، عضو آن هستند، تحریم‌ها فقط بایستی در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد وضع شوند و بنابراین در وهله اول بایستی تحریم‌های خارج از این چارچوب را خواه موجب نقض حقوق بشر زنان و کودکان می‌شوند یا نه، موجب مسئولیت بین المللی دولت‌های اعمال کننده این تحریم‌ها دانست. این موضوع در رویه قضایی بین المللی نیز مورد تاکید قرار گرفته است چنانکه نمی‌توان از نظر دور داشت که دیوان بین المللی دادگستری در رای مشورتی سال ۱۹۵۱ خود به یک شیوه مبتکرانه، ویژگی خاص کنوانسیون

1 "... sums were not paid in order to comply with any mandatory provision of law, regulation or order of any court of competent jurisdiction".

2 <https://www.latham.london/2019/10/us-secondary-sanctions-are-a-mandatory-provision-of-english-law/>

پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی ۱۹۴۸ را به رسمیت شناخت اما اقدامات دولت‌ها خارج از آن چارچوب را موجب مسئولیت بین‌المللی آن‌ها دانست. در این ارتباط، کنوانسیون ۱۹۴۸ مقرر نموده است: (( ... دولت‌های عضو هیچ‌گونه منفعت شخصی ندارند؛ آنها صرفاً یک منفعت مشترک دارند و آن نیز تحقق اهداف عالی است که دلیل انعقاد کنوانسیون بوده است. نتیجتاً، در کنوانسیونی از این نوع، نمی‌توان از مزیت‌ها و معایب شخصی حفظ تعادل کامل قراردادی بین حقوق و تکالیف صحبت نمود. آرمان‌های عالی که الهام بخش کنوانسیون بوده‌اند مبنا و معیار مقررات آن بوده است. ))

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

تحریم‌های غیر قانونی بر علیه کشورها منجر به نقض آشکار حقوق اولیه انسانی در این کشورها می‌شود. یکی از گروه‌هایی که تحریم‌های بر روی آنان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی گذاشته است زنان و کودکان می‌باشند که به دست قدرت‌های بزرگ صورت می‌گیرد. تحریم‌های ظالمانه کشورها را دچار مشکلات و اثرات زیانباری می‌کند. نادیده گرفتن حقوق بشر یکی از مولفه‌هایی است که از طرف کشورهای سلطه‌گر و سازمان‌های تحت نظارت آن‌ها عامدانه از آن غفلت می‌شود، نقض حقوق بشر به وسیله تحریم‌ها منجر به آسیب‌های جدی به بدنه دولت‌ها و مردم آن کشورها می‌شود. به واسطه‌ی زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی به وسیله تحریم‌ها منتهی به لطمات بهداشتی و دارویی، آموزشی، توسعه‌ی ای و حتی برخورداری از حمل و نقل و ناوگان هوایی می‌شود که همگی موجب نقض مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد که در آن به صراحت به حق هر یک از افراد جامعه در برخورداری از یک زندگی استاندارد که شامل بهداشت، رفاه، آموزش و ... است، اشاره می‌کند؛ بنابراین بررسی تأثیر پیامد تحریم‌ها بر کشورهای هدف نشان می‌دهد که تحریم‌ها، اثرات زیانبار و فاجعه آمیزی بر حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان داشته است؛ و این گروه بیشتر آسیب‌ها را دیده و رنج و مشقت زیادی را در این زمینه متحمل شده‌اند. بنابراین اعمال تحریم‌ها بر علیه کشورها می‌تواند زنان و کودکان آن سرزمین را نشانه گرفته و موجبات افت سطح آموزشی، بیکاری زنان سرپرست خانواده، افزایش تبعیض جنسیتی، خشونت علیه آنان و نقض گسترده حقوق عمومی آنان می‌شود؛ که همگی مغایر با اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده است.

### References

1. Amir Diwani, Pegah (2014) Women are victims of sanctions, Payam-e-Zan Monthly, No. 267.
2. Jill, Amparousan Jose, (2000), International Responsibility of Governments for Human Rights Violations, translated by Bigzadeh, Ebrahim, Journal of Legal Research, No. 29-30, Spring and Summer
3. Haddadi, Mehdi, (2004), International Sanctions, National Policy Tool or International Executive Guarantee, Legal Thoughts Quarterly No. 3
4. Hosseini, Mir Saeed (2013), The Study of Sanctions in the Framework of Chapter 7 of the UN Charter, Master Thesis in International Law, University of Guilan
5. Heidari, Fariba (2017), The Impact of Sanctions on Women's Rights, Quarterly Journal of Women's Rights Protection, No. 8
6. Richard Neveu (2015) The Art of Sanctions A Look Through the Field (Second Edition), Translated and Edited by: Translators Group, Vice President for Economic Research
7. Zahrani, Mostafa, (1997), Economic Sanctions from Action to Action, Journal of Foreign Policy, Eleventh Year, No. 1

8. Zamani, Seyed Qasem; Zanganeh Shahraki, Jafar (2013), International Sanctions Violating Human Rights: From the Challenge of Legal Legitimacy to International Responsibility, *Strategy Quarterly*, Volume 22, Number 67
9. Zamani, Seyed Qasem; Gharibabadi, Kazem (2017), Sanctions as Violation of International Obligations of Governments in the Field of Human Rights Protection, *Medical Law Quarterly*, Eleventh Year, No. 40.
10. Shaygan, Farideh, Alignment of Security Council Economic Sanctions with Human Rights and International Humanitarian Law, University of Paris Thesis, 2007 Quoted by Najafabadi, Hamid, The Effectiveness of International Sanctions against the Islamic Republic of Iran in Iran's Restraint Policy, M.Sc. Thesis Regional Studies, School of International Relations
11. Zahiri Shirabadi, Vahid (2017) Legitimacy or illegitimacy of sanctions based on laws passed by the US Congress against the Islamic Republic of Iran from the perspective of international law, dissertation for a master's degree in international law, Islamic Azad University, Safa Dasht Branch
12. Abbaszadeh, Ali (2014) The Impact of Unilateral and Multilateral Sanctions against Iran from the Perspective of Human Rights (Second Generation), Thesis for Master of International Law, Azad University of Central Tehran
13. Goodarzi, Sanaz (2017), The Impact of Western Sanctions on Human Rights and Women's Rights, *Quarterly Journal of Women's Rights Protection*, Third Year, No. 9
14. International texts
15. Universal Declaration of Human Rights, adopted on December 10, 1948
16. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, adopted in 2010 Aust, Anthony, "Handbook of international law", CUP, 2nd edition, 2007.
17. Dursun, Peksen, *The Third Party Effects of US Sanctions on Neighbor Countries and the OECD Prepared for Presentation at the International Studies Association 2006 Sandiego ISA 2006*, p7, [http: Politicascience Missouni. Edu / working paper/htm.2008-01-12](http://Politicascience Missouni. Edu / working paper/htm.2008-01-12)
18. David Cortright (2010) *Sanctions and the Search for Security: Challenges to UN Action*
19. Davidson, Elias, "Legal Boundries to UN Sanctions", *the International Journal of Human Rights*, Vol. 7. No. 4 (winter 2003), p. 7
20. <http://unispal.un.org/unispal.nsf/0/F143EA8557419E6F3526,2012-8-1>
21. Gibbons, ma, Elizabeth & Garfield, Richard. Dr Ph, Rn (2000), "The Impact of Economic Sanction on Health and Human Rights in Haiti, 1991-1994", *American Journal of Publice Health*, Vol 89, No 10
22. Nicholas D, Kristof (2003), "Our Man in Havana", *N.Y. Times*, Nov. 8.
23. Rhoan K.M, "International Human Rights", Oxford University Press, 2005.
24. Richard. G, "The Impact of Economic Sanction on Health and Well-being", *Oversea Development Institute*.
25. Report of the Panel Established Pursuant to the Note by the President of the Security Council Concerning the Current Humanitarian Situation in Iraq. 1999. UN. Doc. S/1999/346, Annex II.
26. Tzanakopoulos, Antonios, *Disobeying The Security Council (Countermeasures against Wrongful Sanctions)*, Oxford University Press. Publish in the United State of America, 2011
27. UNICEF Report on Situation Analysis of Children and Women Iraq [Internet]. 1980. Available at: <http://www.childinfo.org/Other/Iraq-sa.pdf>. Access January 09, 2017. [Cited 2017, January 13].
28. United Nations Document, General Assembly Resolution 3318 ( XXIX ), 14 December 1974, " Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict ". [ A/RES/3318( XXIX) ].

**Pathology of International Responsibility of Governments in the Imposition of Sanctions Violating the Human Rights of Women and Children from the Perspective of Fundamental Human Rights Considerations  
(Case Study of Sanctions against the Islamic Republic of Iran)**

**Frshteh kshtkar**

Department of International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran

**Maryam Moradi\***

Department of Law and Political Science, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran

**Abu Mohammad Asgarkhani**

Department of Law and Political Science, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran

---

**Abstract**

International sanctions, whether in the form of unilateral or multilateral sanctions or in the form of UN Security Council Chapter 7 sanctions, although imposed to change the policies of the sanctioned government, have different effects, including on women and children. Based on the existing experiences in relation to Iraq, Libya and finally the Islamic Republic of Iran, they seek to reduce the level of economic growth, the level of education, many socio-economic problems for societies and as a barrier to development, Lead to the rise of inflation and economic inflammation, minimize opportunities to expand the activities of women and children, and violate their fundamental human rights. In this regard, the issue of international responsibility of sanctioned governments is raised. Given the concept of fundamental human rights, which is mainly enshrined in international jurisprudence, how is the international responsibility of governments in imposing sanctions on women and children violated in the first place, and secondly, the international responsibility in the situation of sanctions? How will it be achieved? The results of the present study show that international sanctions, both in general and in the situation in Iran, can be a right to life (as emphasized in Article 3 of the Universal Declaration of Human Rights and Article 6 of the Convention on the Rights of the Child); The right to adequate living standards, the right to health, the right to education, the right to development, etc., affect women and children and lead to the violation of their rights.

**Keywords: International Liability, Fundamental Human Rights Considerations, Sanctions, Human Rights Violations, Women, Children**

---

---

\* (Corresponding Author) maryam.moradi@iauqeshm.ac.ir